

مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران

(صفحات ۶۱ تا ۸۸)

DOR:20.1001.1.17358663.1400.16.49.3.7

نوع مقاله: پژوهشی

نسیم السادات محبوبی شریعت پناهی^۱ * عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری^۲ * لیلا فلاحتی^۳

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹

چکیده

امروزه سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان رکن سوم جامعه و نماینده جامعه‌ی مدنی، نقش اساسی در دسترسی گروه‌های طردشده اجتماعی از جمله زنان به حقوق شهروندی دارند. مهم‌ترین بعد شهروندی، شهروندی اجتماعی است که ارتباط تنگاتنگی با حوزه عمومی دارد. به نظر می‌رسد این سازمان‌ها نقش مهمی در تسهیل دسترسی زنان به شهروندی خود دارند، هر چند در مسیر تحقق این هدف، عوامل متفاوتی می‌تواند مؤثر باشد. هدف از این پژوهش، بررسی رابطه عوامل مؤثر در مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به حقوق شهروندی بوده است. این پژوهش با رویکرد کمی و تکنیک پیمایش صورت گرفته و ابزار مورد استفاده، پرسشنامه محقق ساخته بوده است. داده‌های این مطالعه از بین سه گروه شامل ۳۰ نفر از خبرگان علمی و اجرایی، ۱۰ نفر از مدیران سمن‌ها و ۳۱۹ نفر از مخاطبان سمن‌ها جمع‌آوری شده است. داده‌ها از طریق آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چند متغیره به‌وسیله نرم افزار (SPSS ۲۰۲۰) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که عوامل اجتماعی درونی و بیرونی بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران از اهمیت بالایی برخوردارند و درآمد سمن‌ها و درآمد زنان بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران از اهمیت بالایی برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: سازمان‌های مردم‌نهاد، زنان، حقوق شهروندی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی.

۱. دانش‌آموخته دکتری مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس. (نویسنده مسئول) nassimasharyat@gmail.com

۲. استاد برنامه‌ریزی جغرافیایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران. eftekhah@modares.ac.ir

۳. استادیار گروه مطالعات زنان، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران. falahati@iscs.ac.ir

۱- بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق افراد در هر جامعه‌ای، حقوق شهروندی آنان است، حقوقی که با تابعیت و جغرافیای محل زندگی افراد ارتباط نزدیکی دارد و به تبع این جغرافیا است که فرد به‌عنوان شهروند تعریف شده که از حقوقی محروم و یا از حقوقی بهره‌مند می‌شود. از منظر گیدنز نابرابری با مقوله ادغام در سیاست‌های نوین اجتماعی مرتبط است. ادغام در مفهوم عام، به‌مقوله حقوق شهروندی اشاره دارد و حقوق شهروندی به حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی و در واقع تعهداتی اطلاق می‌شود که به‌طور کلی همه‌ی اعضای جامعه باید برخوردار باشند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۴-۱۱۵). در حقیقت نابرابری‌ها در اشکال مختلف به لحاظ این که پیامدهایی چون طرد و حاشیه‌نشینی بخشی از گروه‌های جامعه را به دنبال دارد، به‌خودی‌خود بر مشارکت فرد بر تحقق اهداف جامعه تأثیر منفی دارد. شهروندان بدان دلیل که از حقوقی محروم هستند، امکان مشارکت فعالانه را نیز در مسیر توسعه نخواهند داشت. در این معنا شهروندی، در واقع ابزارهای شهروندان است که آنان را در مسیر مشارکت پویا و فعال در امور اجتماعی مجهز می‌سازد. کائوتری بر این باور است که اگر فرد از بردن سهم عادلانه‌ای از نتایج فعالیت خود محروم باشد، به‌سختی می‌توان از او خواست که در راه رفاه و سعادت جامعه به‌صورت فعال شرکت کند و بدان متعهد شود. تمایل به تساوی بیشتر در توزیع مزایا و فعالیت‌های مربوط به توسعه، نه‌تنها آرمانی عدالت‌خواهانه است، بلکه پیش‌شرط توسعه پویا و متعادل است (کائوتری، ۱۳۷۹: ۳۷).

حقوق شهروندی در سه گروه مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود که از حقوق مدنی آغاز شده و این حقوق مواردی چون آزادی بیان، حق محاکمه منصفانه و دسترسی برابر به‌نظام قانونی را دربر می‌گیرد، به حقوق سیاسی ادامه می‌یابد که پس از حقوق مدنی پدید آمد و شامل حق رأی، حق نامزدی مقامات انتخابی، حق شرکت در احزاب سیاسی و مشارکت به شیوه‌های گوناگون در فرآیند قانون‌گذاری است. درنهایت با بعد سوم شهروندی یعنی بعد اجتماعی پایان می‌یابد که با ظهور «دولت جدید رفاه» پدیدار شده است (کیویستو، ۱۳۷۸)؛ سمن‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اجتماعی، می‌توانند مداخله‌گران در عرصه تحقق شهروندی زنان باشند. در ایران نیز از دهه ۱۳۷۰ شاهد رشد معنادار سازمان‌های مردم‌نهاد در بستر جامعه هستیم و تلاش‌های زیادی برای تقویت و

توان‌افزایی آن‌ها صورت گرفته است. در ساختار کلان، به‌ویژه در اسناد بالادستی، بر ضرورت دسترسی کلیه‌ی آحاد جامعه به حقوق شهروندی از جمله زنان تأکید فراوانی شده است. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، دستیابی به حقوق شهروندی، یکی از محورهای مهم و استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین هدف ایجاد و تقویت این سازمان‌ها، افزایش ظرفیت نظام اجتماعی از طریق ایجاد شرایط مساعد برای دستیابی به برابری برای همه‌ی اقشار جامعه و بارور شدن توانمندی‌های بالقوه همه افراد است. بنابراین در راستای تحقق حقوق شهروندی زنان، اولین فعالیت در جهت هموار کردن این مسیر یعنی کمک به دستیابی زنان به همه ابعاد حقوق اجتماعی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد است، از سوی دیگر با بررسی پیشینه‌ی پژوهش، خلأ علمی بررسی مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به حقوق اجتماعی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق زنان در جامعه احساس می‌شود.

در عصری که سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان رکن سوم جامعه به رسمیت شناخته شده‌اند و نقش اساسی در تحقق اهداف و چشم‌اندازهای توسعه‌ی کشورها ایفا می‌کنند، شناسایی مهم‌ترین عوامل و موانع موجود این سازمان‌ها، در دسترسی زنان به حقوق اجتماعی ضروری است. همان‌گونه که اشاره شد، از دهه ۷۰ تاکنون شاهد افزایش تأسیس این سازمان‌ها هستیم، به‌طوری که تعداد آن‌ها در حوزه زنان و خانواده، از ۵۵ در سال ۱۳۷۵، به ۲۷۲۲ سمن در سال ۱۳۹۶ رسیده است که شناسایی دستاوردها و چالش‌ها در مسیر تحقق اهداف به‌منظور توان‌افزایی آن‌ها اهمیت فراوانی دارد. این در حالی است که تاکنون مطالعات محدودی به شناسایی این عوامل در ایران پرداخته‌اند و بدین ترتیب پژوهش حاضر مترصد پاسخ به این سؤال است که عوامل موثر در مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به حقوق شهروندی در ایران کدام است؟ به صورت خاص، این مطالعه بر شناسایی تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی متمرکز است.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. ادبیات تجربی

عوامل متعددی در افزایش دسترسی زنان به حقوق شهروندی موثر هستند. نقش ساختارهای کلان همچون دولت و برنامه‌ریزی‌های ملی از یک‌سو و از سوی دیگر

مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران.....

ساختارهای سطح خرد و محلی، مهم‌ترین بازیگران این عرصه تلقی می‌شوند. در چهار دهه اخیر، سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان مؤثرترین ساختار، در تحقق توانمندسازی گروه‌های در حاشیه شناخته شده‌اند. قابلیت انعطاف، ساختار سیال و مردمی این نهادها و درعین حال حضور دائمی و قدرت ایجاد تغییرات پایدار در سطح محلی، باعث شده است که این ساختارها در بسیاری موارد، موثرتر از دولت نیز عمل کنند.

یکی از ابعاد مهم تأثیر سمن‌ها، تقویت ظرفیت‌های زنان برای افزایش مشارکت اجتماعی آنان است. گلدمن و لیتل (۲۰۱۵) تأکید می‌کنند که توانمندسازی زنان یک فرآیند مداوم، افزایشی و رابطه‌ای است که در مقیاس‌ها و مسیرهای مختلف رخ می‌دهد. آن‌ها در تانزانیا با بررسی عملکرد دو سمن تخصصی در زمینه توانمندسازی زنان نشان دادند که افزایش عاملیت زنان در خانواده و افزایش مشارکت سیاسی در سطح اجتماعی، تحت تأثیر میزان مشارکت سازمان‌های غیردولتی است. علاوه بر این، آن‌ها نشان دادند که سمن‌ها علاوه بر ایجاد عاملیت فردی، نقش مهمی در تغییرات باورهای مربوط به هنجارهای جنسیتی در سطح اجتماعی دارند.

گوپتا (۲۰۲۱) در بررسی نقش سمن‌ها در توانمندسازی زنان به این نتیجه رسیده است که آموزش و درعین حال توسعه کارآفرینی، نقش مهمی در توانمندسازی زنان دارد و ایجاد انگیزه و مهارت‌های رهبری موثر به زنان کمک می‌کند تا اعتماد به نفس را به دست آورند. نکته کلیدی مطالعه گوپتا (۲۰۲۱) نقش گروه‌های خودیاری (SHGs) و سمن‌ها (NGO) در ایجاد شبکه و اطلاع‌رسانی در مورد سیاست‌های دولت است.

سواين و والتين^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش خود با بررسی نقش سمن‌ها در توانمندسازی زنان هند (مورد مطالعه اعتبارات خرد)، نشان دادند که توانمندسازی زنان زمانی اتفاق می‌افتد که زنان هنجارهای اجتماعی و فرهنگی فعلی را مورد چالش قرار دهند. در همین زمینه دبی و دبی (۲۰۱۲) به بررسی تأثیر موانع جنسیتی همچون تعصبات هنجاری در جنوب آفریقا، بر فرایند توانمندسازی زنان و حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی پرداختند. نتایج مطالعه‌ی آن‌ها نشان داد، درحالی‌که آموزش نقش مهمی در توان‌افزایی زنان دارد، اما کافی نیست و عدالت برای زنان و دختران تنها در صورتی

¹ Swain and Valentine

محقق خواهد شد که نهادهای بخش دولتی و خصوصی به‌طور هم‌زمان برای تغییر تلاش کنند و عملاً نقش آفرینی سمن‌ها، در این مسیر مؤثرتر و کارآمدتر خواهد بود. ایجاد مشارکت اجتماعی در مسیر تحقق اهداف کلان ملی، یکی دیگر از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد است. نیکخواه و همکاران^۱ (۲۰۱۰) با بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق توسعه پایدار جامعه نشان دادند که سازمان‌های مردم‌نهاد، برنامه‌ها، کارکردها و نقش‌های زیادی دارند که به توان‌افزایی جامعه و نهایت به توسعه پایدار کمک می‌کند. کارکردهایی مثل تأمین مالی خرد، ظرفیت‌سازی و خوداتکایی از جمله موضوعاتی بود که در مطالعه آن‌ها مورد توجه قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد، برنامه‌های تأمین مالی خرد با ایجاد شغل و درآمد پایدار، رفاه اقتصادی جوامع را بهبود می‌بخشد. در دراز مدت، این توانمندسازی اقتصادی به توسعه پایدار جامعه کمک خواهد کرد. سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق ظرفیت‌سازی، ظرفیت‌های جامعه مانند توانایی، مهارت و دانش بسیج منابع، برنامه‌ریزی و ارزیابی راه‌اندازی جامعه و حل مشکلات را برای کسب تسلط بر زندگی خود توسعه می‌دهند. علاوه بر این، سازمان‌های مردم‌نهاد، افراد جامعه را برای مشارکت در پروژه‌ها تشویق می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند تا کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند. علاوه بر این، از شرکت‌کنندگان در برنامه‌ها انتظار می‌رود جلسات را هماهنگ کنند، فعالیت‌های اجتماعی را برنامه‌ریزی کنند و در ابتکارات اجتماعی مشارکت کنند و از این طریق، سازمان‌های مردم‌نهاد به توسعه پایدار جامعه کمک می‌کنند. علاوه بر این، سازمان‌های مردم‌نهاد جوامع را بسیج می‌کنند تا به خود متکی باشند که کمک می‌کند جوامع پتانسیل‌های خود را کشف کنند و بر منابع خود تکیه کنند.

همچنین هاندي و کاسام^۲ (۲۰۰۶)، در بررسی ساختارهای روستایی نشان دادند که سازمان‌های مردم‌نهاد نقش کلیدی در ایجاد تغییرات و به‌ویژه توانمندسازی زنان دارند. یکی دیگر از ابعاد اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد، نقش آفرینی در مسیر افزایش سرمایه اجتماعی است. ایسلام^۳ (۲۰۱۴) به بررسی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در افزایش

^۱ Nikkhhah and Redzuan

^۲ Handy and Kassam

^۳ Islam

مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران.....

سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جامعه پرداخت. یافته‌های او نشان داد که سمن‌ها، نقش اساسی در توسعه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جامعه در مسیر توسعه ایفا می‌کنند. نکته مهم این است که عملاً سمن‌ها، مسیر توانمندسازی زنان را به‌راحتی طی نمی‌کنند، بلکه با موانع متعددی مواجه هستند. مطالعه‌ی سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در یمن که توسط انجمن توسعه زنان و کودکان (۲۰۰۲) انجام شده است، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تضعیف عملکرد سمن‌ها را منابعی چون مالی، مادی، انسانی، مدیریت و ویژگی‌های ساختاری سازمان و درآمد مخاطبان سازمان‌های مردم‌نهاد می‌داند. مطالعه اکپابو و ابو^۱ (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که عوامل درونی چون توانایی سمن‌های زنان برای تحقق انتظار ذی‌نفعان، درآمد سمن‌ها همچون حجم بالای تأمین اعتبار و درآمد پایین ذینفعان بر موفقیت این سازمان‌های زنان اثرگذار است. مرکز منبع زنان^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی که پیرامون وضعیت سمن‌های زنان در بریتانیا انجام داد، نشان داد که سازمان‌های مردم‌نهاد در این کشور با مسائل مالی مواجه هستند و این امر به کاهش خدمات این سازمان‌ها منجر می‌شود.

نتایج مطالعه کیلبی^۳ (۲۰۱۱) بر این امر تأکید دارد که سازمان‌های مردم‌نهاد برای اثربخشی فعالیت خود در حوزه زنان با موانع سازمانی مواجه هستند. راثو و جین^۴ (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان می‌دهند که سازمان‌های مردم‌نهاد با این مشکل مواجه هستند که فاقد قدرت چانه‌زنی و نیز عدم پذیرش سمن‌ها در نقش همکار از سوی دولت هستند. ابورمدان^۵ (۲۰۱۳) در پژوهش خود درخصوص سازمان‌های مردم‌نهاد زنان در نوار غزه پیشنهاد می‌کند که این سازمان‌ها باید منابع مالی کافی و نیروی انسانی ماهر داشته باشند. کوماری^۶ و همکاران (۲۰۱۸) بر این امر تأکید دارند که عدم موفقیت سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی زنان نشأت گرفته از عوامل اجتماعی و اقتصادی متفاوتی است. واکاوی پژوهش‌های داخلی حاکی از آن است که پژوهش‌های محدودی به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه زنان پرداخته‌اند و

¹ Society for the Development of Women & Children

² Akpabio & Aboh

³ Women's Resource Centre

⁴ Kilby

⁵ Rao & Jain

⁶ Abu Ramadan

⁷ Kumari

پژوهش‌های اندکی به طراحی الگو و مدل عملکردی سازمان‌های مردم‌نهاد توجه داشته‌اند. جلالی جواران و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی مدل اعتبارسنجی سازمان‌های مردم‌نهاد فرهنگی بر مبنای ابر خط مشی فضای مجازی از دیدگاه مقام معظم رهبری» جزو معدود پژوهشگرانی هستند که به این طراحی الگو پرداخته‌اند، هر چند جنسیت در پژوهش آنان مورد توجه نبوده است. همچنین یافته‌های پژوهش محسنی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی عامل‌های موثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد» نشان می‌دهد که بیشترین میزان تأثیر را در انگیزه مشارکت زنان برای فعالیت در سمن‌ها پایگاه اقتصادی و انسجام خانوادگی آنان داشته است. پژوهش براری و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی تأثیر عضویت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد بر سرمایه اجتماعی زنان سرپرست خانوار» نیز حاکی از آن است که زنان عضو در سازمان‌های مردم‌نهاد به طور معناداری از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر برخوردار بوده‌اند.

۲-۲. ادبیات نظری

فرهنگ لغت کمبریج^۱ سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) را چنین تعریف می‌کند: «سازمانی که تلاش می‌کند به اهداف اجتماعی یا سیاسی دست یابد، در عین حال تحت نظارت و کنترل دولت نیست». بانک جهانی^۲ (۲۰۰۱) نیز این سازمان‌ها را سازمان‌های خصوصی تعریف می‌کند که برای رفع رنج، ارتقاء سطح زندگی فقرا، حفاظت از محیط‌زیست، ارائه خدمات اساسی اجتماعی و یا توسعه جامعه، می‌شوند. در ایران، آئین‌نامه اجرائی نحوه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی معاونت امور اجتماعی و شوراهای وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، سازمان غیردولتی را چنین تعریف می‌کند: «سازمان غیردولتی به تشکلهایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی به صورت داوطلبانه تأسیس شده باشند و اهداف غیردولتی و غیر سیاسی را مطابق اساسنامه خود پیگیری کنند. عناوین جمعیت، انجمن، کانون، مرکز، گروه، مجمع، شبکه، خانه، موسسه و نظایر آن می‌توانند به‌جای واژگان سازمان در نام‌گذاری به کار

^۱ Cambridge Dictionary

^۲ Non-governmental Organizations

^۳ World bank

مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران.....

گرفته شوند» (نوروزی و گل‌پرور: ۱۳۸۹ و گزارش بخشی وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان، ۱۳۸۵). در این مطالعه، منظور سازمان‌هایی است که مردمی و مستقل از دولت هستند، به صورت داوطلبانه و با اهداف مشخص و غیرانتفاعی و زمینه‌های فعالیت معین تشکیل شده‌اند و نقش رابط میان مردم و حاکمیت را برعهده گرفته‌اند. از این پس در این مقاله به سازمان مردم‌نهاد، سمن می‌گوییم.

در دانشنامه علوم اجتماعی، شهروندی^۱ موقعیتی حقوقی است که دولت تعیین کرده و به مردم اعطا می‌کند. کوپر و کوپر^۲ (۲۰۰۱) بر این امر تاکید دارند که امروزه حقوق و مسئولیت‌های برابر به همه شهروندان اختصاص داده می‌شود، زیرا وجود شهروندان درجه دوم براساس محل تولد، محل اقامت، جنسیت، اعتقاد، رفتارها، نژاد و طبقه دیگر قابل پذیرش نیست. سازمان برنامه اسکان بشر سازمان ملل^۳ یک تعریف کوتاه و ساده از شهروندی ارائه می‌دهد مبنی بر این که تمام افرادی که ذیل عنوان شهر ثبت شده و در آن زندگی می‌کنند شهروند محسوب می‌شوند (۲۰۱۶). اما به زعم یونسکو مفهوم شهروندی یک مفهوم چندوجهی است که با رشد فزاینده هم‌وابستگی^۴ و روابط میان کشورها در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در ارتباط مستقیم است؛ روابطی که بی‌تردید در عرصه‌ی تجارت بین‌المللی، مهاجرت، ارتباطات و نظایر آن پیش می‌آید (۲۰۱۴). بدین ترتیب شهروندی به معنای مجموعه‌ای از حقوق و وظایفی است که دستیابی هر فرد به منابع اجتماعی و اقتصادی جامعه خود را تعیین می‌کند.

فرهنگ لغت کمبریج مشارکت^۵ را شرکت در فعالیتی یا درگیر شدن در آن تعریف می‌کند (فرهنگ لغت کمبریج، ذیل Participation). در نهادهای ملی و بین‌المللی به‌صراحت به مفهوم مشارکت پرداخته نشده است، اما مشارکت سمن‌ها در نهاد سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله منظور از مشارکت، مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به حقوق شهروندی است.

در ادامه چهارچوب نظری مقاله مبتنی بر نظریه‌های شهروندی، سازمان پایدار و

1 Citizenship

2 Kuper & Kuper

3 United Nations Human Settlements Programme

4 Interdependency

5 Participation

مشارکت آمده است که می تواند ابعاد موضوع را تا حد زیادی تبیین کند.

نظریه شهروندی توماس هامفری مارشال^۱: از دیدگاه مارشال، شهروندی مدرن از سه نوع حقوق اساسی تشکیل می شود: حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی. در بحث مارشال، مولفه‌ی سیاسی شهروندی عبارت است از حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به منزله‌ی عضوی از جامعه که اقتدار سیاسی به آن اعطا شده است یا در مقام انتخاب کننده اعضای چنین جامعه‌ای است. در چنین نگرشی، شهروندی فعال به تمام افراد جامعه گسترش می یابد. الگوی شهروندی دولت رفاه، بیشترین ارزش را به شهروند می دهد و شهروندی بعدی همگانی می یابد (نوریان و آدینه، ۱۳۹۶: ۷۱ و بهروزلک، ۱۳۸۶: ۲۸۷-۲۸۶).

نظریه سازمان پایدار: براساس نظر والس^۲ (۲۰۱۳) تعریف مصطلح برای سازمان پایدار، «تداوم کسب و کار» است. تعریف رایج دیگر از «تثبیت آینده سازمان» می گوید، اما در واقع پایداری سازمانی، دستیابی به موفقیت امروز بدون به خطر انداختن نیازهای آینده است. پایداری سازمانی بیشتر یک نوع فرهنگ درون سازمانی است که با تصریح ارزش ها و باورهای زیربنای سازمان پرورنده می شود. این فرهنگ درون سازمانی می تواند نشأت گرفته از تخصص و دانش منابع انسانی، نوع ارتباط با مخاطب سازمان، نحوه عضوگیری سازمان و غیره باشد.

سازمان جهانی استاندارد^۳، پایداری سازمان را به توانایی آن در پایش محیط خارجی، برای فرصت ها، تغییرات، روندها و ریسک ها می داند. این امر از آنجا حائز اهمیت است که دسترسی سازمان به فرصت های برابر اقتصادی، امکان بهره مندی از کمک های مالی دولتی و غیردولتی، درآمد و استقلال اقتصادی سازمان و شرایط اجتماعی و اقتصادی از این جنس می تواند در پیشبرد اهداف سازمان اهمیت داشته باشد. از نظر پریش^۴ (۲۰۱۰) و شپرد و پاتزلت^۵ (۲۰۱۰) ایده محوری شکل گیری سازمان های پایدار این است که فعالیت های انجام شده در جهت رسیدن به منافع با محیط -

¹ Thomas Humphrey Marshall

² Wales

³ World Standards Organization

⁴ Parrish

⁵ Shepherd & Patzelt

های اکولوژیکی و اجتماعی که در آن فعالیت می‌کنند هم‌سو باشد و هر جا لازم است چنین محیط‌هایی را در جهت ایجاد تعادل میان فعالیت محیط‌زیست، جامعه و اقتصاد، ترمیم و تقویت کند. از این منظر در نوشتار تیلی و یانگ^۱ (۲۰۰۹)، سازمان پایدار، زمانی ظهور می‌یابد که اهداف کارآفرینی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی با نگاهی کل-نگر در سازمانی که از نظر اهداف و نحوه ایجاد ثروت پایدار است، ادغام شود. براساس این نظریه، سمن پایدار زمانی تحقق می‌یابد که تمامی امکانات آن سازمان در خدمت تداوم فعالیت و نیز تثبیت آینده آن باشد. در این امر شرایط داخلی یعنی منابع انسانی سمن‌ها و فرهنگ سازمانی حاکم بر آن و نیز محیط اجتماعی (اعم از فرهنگ جامعه و نیز شرایط اجتماعی و اقتصادی زنان و شرایط اقتصادی و تعامل سمن با دولت) که در آن اقدام به مشارکت اجتماعی می‌کنند موثر هستند.

به منظور تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به حقوق شهروندی ضروری است نظریه مشارکتی جیمز میجلی^۲ را نیز در نظر بگیریم. میجلی بر این امر تاکید دارد که بر اساس واکنش دولت به مشارکت مردم جامعه یا سمن، می‌توان مشارکت را به چهار نوع زیر تقسیم می‌کند (حیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸):

۱. شیوه ضد مشارکتی: دولت اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را نمی‌دهد،
 ۲. شیوه مشارکت هدایت‌کننده: دولت از مشارکت اجتماع‌های محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند.
 ۳. شیوه مشارکت فزاینده: شیوه برخورد دولت با مشارکت به شکلی دوگانه است. به گونه‌ای که با وجود حمایت از آن در موضع گیری‌های رسمی خود در عمل اقدام موثری در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی انجام نمی‌دهد.
 ۴. شیوه مشارکت واقعی: دولت به‌طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد سازوکارهایی برای ورود موثر اجتماعی محلی در تمامی زمینه‌ها تلاش می‌کند (همان).
- بر مبنای این نظریه، مشارکت واقعی با حمایت دولت از مشارکت سمن‌ها اتفاق

¹ Tilley & Youn

² James Midgley

می‌افتد. با این نوع از مشارکت به دلیل باز بودن عرصه حضور فعال مردم در امور اجتماعی خود از طریق سمن‌ها، مشارکتی یک‌پارچه رقم می‌خورد. بدیهی است ایده‌آل ترین نوع مشارکت، واقعی است که می‌تواند در خدمت تحقق حقوق شهروندی زنان قرار گیرد و بدترین آن، ضد مشارکت است که حقوق اجتماعی قربانی سرکوب دولت شده و از ظرفیت سمن‌ها در تحقق آن استفاده‌ای نخواهد شد.



۳. روش پژوهش

رویکرد این پژوهش حاضر، توصیفی-همبستگی و جهت‌گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته بهره‌گرفته شد. در این راستا ابتدا مبانی نظری، پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفت و پس از شناسایی مهم‌ترین عوامل و متغیرها، گویه‌های مناسب برای سنجش متغیرهای اجتماعی و اقتصادی تعیین و پرسشنامه توسط محقق تهیه گردید. در مرحله اول برای ارزیابی روایی صوری متغیرهای شناسایی شده فهرست شده و مشخص شد که برخی از آن‌ها از نظر تعداد بسیار زیاد (۴۲) و تکراری هستند و برخی از آن‌ها در کشور ایران کاربرد ندارند. بنابراین عوامل به تعداد ۲ شاخص

اصلی (اجتماعی و اقتصادی) با توجه به فراوانی تکرار آن‌ها محدود و برای هر یک از آن‌ها، ۲ شاخص فرعی (در مجموع ۴ شاخص فرعی شامل عوامل درونی و عوامل بیرونی، درآمد زنان و درآمد سازمان‌های مردم‌نهاد) تدوین و مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل شد. در نهایت برای ۴ شاخص فرعی، ۲۳ معرف کلیدی استخراج و سپس پرسشنامه‌ای از این معرف‌های کلیدی تهیه شد. سرانجام با مطالعات پیمایشی و نظرخواهی از خبرگان و متخصصان مرتبط با موضوع شامل ۳۰ نفر (از اساتید دانشگاه، مدیران، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و پژوهشگران و نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد) مجموعه مناسب و بومی شده از عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی عرضه شد و اعتبار محتوایی آن تایید شد.

در سنجش اعتبار محتوایی، دستیابی به نگاه اساتید، خبرگان و متخصصان اجرایی این حوزه در اولویت بوده؛ از این رو، در ابتدا لیستی بالغ بر ۵۰ نفر از اساتید هیات علمی دانشگاه‌های تهران که دارای سابقه پژوهش علمی و یا پست اجرایی در حوزه این پژوهش اعم از حقوق شهروندی و سمن‌ها داشتند، تهیه شد، با بیش از نیمی از آنان یعنی ۳۰ نفر تماس گرفته شد و پرسش‌نامه در اختیار ۳۰ نفر از آنان قرار گرفت که تمایل به پاسخگویی به پرسشنامه را داشتند. این گروه متشکل از ۳۰ نفر از اعضای هیات علمی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی با ترکیب ۵ نفر از دانشگاه تربیت مدرس، ۵ نفر از دانشگاه علامه طباطبائی، ۵ نفر از دانشگاه خوارزمی، ۵ نفر از دانشگاه تهران و ۵ نفر از دانشگاه الزهرا و ۵ نفر از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود که در حوزه شهروندی زنان و سازمان‌های مردم‌نهاد مطالعه علمی داشتند.

در نهایت پرسش‌نامه برای سه گروه خبرگان، مدیران سازمان‌های مردم‌نهاد و مخاطبان سمن‌ها تدوین شد که برای سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که در آن ضریب آلفای کرونباخ برای گروه مخاطبان سمن‌ها، خبرگان و مدیران سمن‌ها به ترتیب برابر با ۰/۸۹، ۰/۷۰ و ۰/۶۸ است. در آزمون دو فرضیه پژوهش «عوامل درونی و عوامل بیرونی در مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به حقوق شهروندی در ایران از اهمیت بالایی برخوردار است» و فرضیه «درآمد زنان و درآمد سمن‌ها در مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به حقوق شهروندی در ایران از اهمیت بالایی برخوردار است». داده‌ها از طریق آزمون‌های همبستگی اسپیرمن، و رگرسیون چند متغیره

به وسیله نرم افزار (SPSS ۲۰۲۰) مورد تجزیه و تحلیل صورت گرفته است.

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش را سه گروه تشکیل می دهند که عبارتند از:

- مخاطبان سمن ها (ذی نفعان اصلی): زنانی که از خدمات سمن ها بهره می برند.
- مدیران سمن ها (خدمات دهندگان اجرایی): مدیران و مسئولان سازمان های مردم نهادی که مخاطبان آن ها زنان هستند.
- خبرگان علمی و تجربی: خبرگان علمی شامل چهره های فعال در حوزه زنان و اساتید دانشگاه در رشته های مطالعات زنان، حقوق، تعلیم و تربیت، علوم جغرافیایی، جامعه شناسی، علوم سیاسی و مدیریت که در رابطه با موضوع پژوهش تجربه علمی دارند و خبرگان تجربی شامل زنان و مردان دارای تجربه سیاست گذاری در حوزه سازمان های مردم نهاد زنان (دولت، مجلس شورای اسلامی و وزارتخانه های مرتبط، معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری، شهرداری و شورای شهر تهران و سایر سازمان های تصمیم گیرنده در حوزه زنان).

جامعه آماری، نمونه آماری و دلایل انتخاب سه گروه: در اینجا به بررسی

نمونه آماری و دلایل انتخاب سه گروه مخاطبان سمن ها، مدیران سمن ها و خبرگان علمی و تجربی می پردازیم.

گروه اول مخاطبان سمن ها (ذی نفعان اصلی): یعنی زنان مخاطب سمن ها زنان در تهران، در حال حاضر تعداد ۱۱۶ سمن زنان در کلان شهر تهران مشغول فعالیت در حوزه حقوق شهروندی زنان هستند (شبکه ای سازمان های غیردولتی زنان در ایران، ۱۳۹۶). بر اساس نمونه گیری طبقه ای، سمن های زنان فعال در این حوزه به ۵ گروه بر اساس سابقه فعالیت تقسیم شدند، گروه اول سمن ها با بیش از ۲۰ سال سابقه فعالیت، گروه دوم، سمن ها با سابقه فعالیت ۱۵ تا ۲۰ سال، گروه سوم، سمن های با سابقه فعالیت ۱۰ تا ۱۵ سال، گروه چهارم سمن های با سابقه فعالیت ۵ تا ۱۰ سال و در نهایت سمن های فعال با سابقه فعالیت ۱ تا ۵ سال. بدین ترتیب از هر طبقه ۲ سمن و در مجموع، ۱۰ سمن فعال در کلانشهر تهران انتخاب شدند که بر اساس اهداف و نوع فعالیتشان بیشترین نزدیکی را به حوزه پژوهش حاضر داشتند. بر اساس روش نمونه گیری مورد نظر در این پژوهش که نمونه گیری طبقه ای است، از هر یک از این سمن ها به نسبت جمعیت تحت پوشش آن ها، خواسته شد فهرستی از مخاطبان خود را که در ۵ سال گذشته بیشترین خدمات را دریافت

کرده‌اند مشخص کرده که مجموعاً ۱۸۲۰ نفر مجموع مخاطبان برآورد شد و بر اساس جدول مورگان ۳۱۷ نفر برآورد حجم نمونه بود و نهایتاً ۳۱۹ نفر از مخاطبان سمن‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند. نحوه انتخاب پاسخگویان انتخاب تصادفی ۳۰ نفر از فهرست مخاطبان سمن‌ها بود.

گروه دوم خبرگان علمی و تجربی: علت انتخاب این گروه، دستیابی به نگاه فعالان حوزه‌ی زنان، اساتید و خبرگان این حوزه در مورد نقش سمن‌ها در تحقق شهروندی زنان، بوده است؛ این در حالی است که نوع نگاه سیاست‌گذاران و نیز نهادهای مدنی فعال نیز برای تبیین این نقش حائز اهمیت است. از این رو، در ابتدا لیستی بالغ بر ۳۰ نفر از اساتید هیات علمی دانشگاه‌های تهران که دارای سابقه پژوهش در این حوزه اعم از حقوق شهروندی و سمن‌ها بودند، تهیه شد؛ با نیمی از آنان یعنی ۵ نفر تماس گرفته شد و پرسش‌نامه در اختیار ۱۰ نفر از آنان قرار گرفت که تمایل به پاسخ‌گویی به پرسشنامه را داشتند. ترکیب این گروه شامل ۲ نفر از دانشگاه تربیت مدرس، ۲ نفر از دانشگاه علامه طباطبائی، ۲ نفر از دانشگاه خوارزمی، ۲ نفر از دانشگاه تهران و ۲ نفر از دانشگاه الزهرا بود. از گروه چهره‌های فعال زنان لیستی ۶۰ نفره از زنان کنشگر اجتماعی در شهر تهران تهیه شد، با نیمی یعنی ۳۰ نفر از آنان تماس گرفته شد و پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفری قرار گرفت که تمایل به همکاری با پژوهشگر را داشتند. ترکیب این افراد بدین ترتیب بود که یا تجربه کار میدانی به عنوان فعال زنان یا کنشگر اجتماعی (۷ نفر) داشته و یا در حوزه شهروندی و یا سمن‌های زنان پژوهش‌های شهری، استانی و یا ملی (۳ نفر) انجام داده‌اند. هم‌چنین نظر ۱۰ نفر از متخصصان حوزه «شهروندی زنان و سمن‌ها» در ساختار دولتی را موردسنجش قرار دادیم. ملاک انتخاب، ارگان‌ها و یا سازمان‌هایی بودند که مشاور امور زنان داشتند. با این ارگان‌ها تماس گرفته شد و از آنان خواسته شد که یک متخصص حوزه زنان را معرفی کنند. پژوهشگر نظر نماینده معرفی شده را به عنوان متخصص سازمان از طریق پرسشنامه گرفت. این ارگان‌ها عبارتند از: شهرداری تهران (۱ نفر)، شورای شهر تهران (۱ نفر)، وزارت آموزش و پرورش (۱ نفر)، وزارت علوم فناوری و آموزش عالی (۱ نفر)، وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی (۱ نفر)، وزارت کشور (۱ نفر)، مجلس شورای اسلامی (۱ نفر)، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱ نفر)، سازمان بهزیستی (۱ نفر) و کمیته امداد امام خمینی (ره) (۱ نفر).

گروه سوم، مدیران سمن‌ها (خدمات دهندگان اجرایی): در اینجا منظور از مدیران و مسئولان سمن‌هایی است که در گروه اول نحوه انتخاب آن‌ها مشخص شد. پرسش‌نامه در اختیار ۱۰ نفر از مدیران سمن‌ها (از هر سمن یک نفر، مدیر عامل یا یکی از اعضای سمن‌ها) قرار گرفت.

متغیرهای پژوهش و ابزار گردآوری اطلاعات: در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات، از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. برای شناسایی عوامل موثر در مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به شهروندی، در ابتدا متغیرهای تحقیق بر اساس مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهشی شناسایی و گویه‌های مورد نظر بر طیف لیکرت (۱ تا ۵) از طریق پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. متغیرهای مستقل در این مطالعه شامل عوامل درونی و بیرونی سمن‌ها و درآمد زنان و درآمد سمن‌ها است. عوامل درونی شامل ابعادی همچون میزان آگاهی و دانش سمن‌ها در تحقق مشارکت آنان در دسترسی زنان به شهروندی، نحوه ظرفیت‌سازی (تقویت مهارت‌ها، شایستگی‌ها و توانایی‌های افراد و گروه‌ها، تا آن‌ها بتوانند بر علل محرومیت‌ها و رنج‌ها غلبه کنند)، شیوه عضویت‌پذیری سمن‌ها (عضویت اشخاص حقیقی یا حقوقی یا هر دو)، میزان تخصصی بودن سمن‌ها (یعنی تا چه درجه‌ای، کارها و فعالیت خود را به وظایف جداگانه و تخصصی تقسیم کرده باشد) است که در مشارکت آنان در دسترسی زنان به شهروندی اهمیت دارد. عوامل بیرونی سمن‌ها شامل ابعادی همچون پیش‌داوری‌ها، فرهنگ خانواده (سنتی، مدرن و...)، نحوه جلب مشارکت داوطلبانه زنان (مشارکت داوطلبانه متخصصان یا جلب مشارکت همه داوطلبان فارغ از تخصص)، باورهای مذهبی (جایگاه زن در ادیان مختلف) و تلقی سیاسی دولت از فعالیت سمن‌ها بر تحقق مشارکت آنان در دسترسی زنان به شهروندی است. دو متغیر دیگر بعد اقتصادی هستند که شامل درآمد زنان مخاطب سمن‌ها (میزان استقلال اقتصادی و اتکا به خود در تأمین هزینه‌های فردی و عدم وابستگی مالی به غیر) و میزان درآمد خانواده زنان مخاطب سمن‌ها و در بخش دوم درآمد سمن‌ها (مانند کمک‌های مالی دولت و خیریه‌ها) است. میزان مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به شهروندی با ابعادی همچون دسترسی زنان به شهروندی سازگار با شرایط و ساختار (کشور، مراکز متولی، قوانین و فرهنگ جامعه)، دسترسی زنان به شهروندی به صورت شبکه‌ای (درون‌گروهی مبتنی بر ارتباط داخلی اعضای سمن‌ها با

مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران.....

یکدیگر)، دسترسی زنان به شهروندی مشارکتی تعاملی (ارتباط دو سویه دولت و سمن‌ها با یکدیگر)، دسترسی زنان به شهروندی مشارکتی شبکه‌ای (برون‌گروهی مبتنی بر ارتباط سمن‌ها با یکدیگر، با دولت و بخش خصوصی) سنجش شده است. گویه‌های موردسنجش بر طیف لیکرت (۱ تا ۵) موردسنجش قرار گرفته و روایی محتوایی پرسش‌نامه توسط خبرگان علمی تایید شد. پایایی پرسش‌نامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ موردبررسی قرار گرفت و بالاتر از ۰/۷۵ به دست آمد.

روش اجرا

به منظور دستیابی به داده‌های پژوهش، پرسشنامه مورد تایید خبرگان با تعداد ۲۳ گویه در اختیار ۳ گروه مخاطب قرار گرفت. گروه خبرگان و مدیران سازمان‌های مردم‌نهاد پرسشنامه را تکمیل کردند، اما برای گروه مخاطبان پژوهشگر طبق نحوه نمونه‌گیری در محل سازمان مردم‌نهاد حضور پیدا کرده و شخصاً گویه‌های پرسش‌نامه را از مخاطبان پرسید.

۴. تحلیل تجربی

داده‌های این مطالعه در سه سطح مدیران سمن‌ها، مخاطبان سمن‌ها و گروه خبرگان موردبررسی قرار گرفته و برای سنجش فرضیه‌ها، تلاش شده که روابط متغیرها در این سه گروه آزمون شود. ابتدا ارتباط بین عوامل اجتماعی درونی و بیرونی بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به حقوق اجتماعی در بین سه گروه مدیران سمن‌ها، خبرگان و مخاطبان سمن‌ها موردبررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از محاسبه همبستگی اسپیرمن بین متغیرها در جدول (۱) نشان می‌دهد که بین عوامل درونی و بیرونی و میزان دسترسی به حقوق شهروندی ارتباط معناداری در بین هر سه گروه وجود دارد.

جدول ۱. میزان همبستگی بین مؤلفه‌های اجتماعی و دسترسی زنان به حقوق شهروندی از دید

مدیران سمن‌ها، مخاطبان سمن‌ها و خبرگان

مدیران سمن‌ها (۱۰)		مخاطبان سمن‌ها (۳۱۹)		گروه خبرگان (۳۰)	
ضریب	سطح	ضریب	سطح	ضریب	سطح
اسپیرمن	معناداری	اسپیرمن	معناداری	اسپیرمن	معناداری
۰/۷۴۸	۰/۰۱۳	۰/۴۸	۰/۰۰۰	۰/۷۴۸	۰/۰۱۳

درونی	۰/۶۴۵	۰/۰۴۰	۰/۶۴۸	۰/۰۰۰	۰/۷۲۵	۰/۰۰۰
عوامل						
بیرونی						

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، کلیه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عوامل اجتماعی دسترسی زنان به حقوق شهروندی برای گروه مدیران سمن‌ها ارتباط معناداری دارند. این همبستگی با مؤلفه‌های عوامل درونی در حد خیلی خوب برای این گروه با ضریب همبستگی ۰/۷۴۸ و با مؤلفه‌های عوامل بیرونی در حد خوب و ۰/۶۴۵ است. همچنین کلیه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عوامل اجتماعی با دسترسی زنان به حقوق شهروندی برای گروه مخاطبان سمن‌ها ارتباط معناداری دارند. این همبستگی با مؤلفه‌های عوامل بیرونی در حد خوب با ضریب همبستگی ۰/۶۴۸ و با مؤلفه‌های عوامل درونی در حد متوسط ۰/۴۸۰ است. در نهایت، کلیه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عوامل اجتماعی با دسترسی زنان به حقوق شهروندی برای گروه خبرگان ارتباط معناداری دارند. این همبستگی با مؤلفه‌های عوامل بیرونی و عوامل بیرونی در حد خیلی خوب با ضریب همبستگی ۰/۷۲۵ و ۰/۷۴۸ است.

در ادامه برای بررسی مقایسه‌ای شدت تاثیر عوامل درونی و بیرونی بر دسترسی زنان به حقوق شهروندی در سه گروه نمونه آماری از آزمون رگرسیون استفاده شد.

جدول ۲. ضرایب میزان شدت اثرپذیری متغیرهای مستقل عوامل اقتصادی درونی و بیرونی بر متغیر وابسته از دید مدیران سمن‌ها، مخاطبان سمن‌ها و خبرگان

ضرایب میزان شدت اثرپذیری مدیران سمن‌ها				
مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	خطای B	Beta	t
سطح معنی‌داری (sig)				
عرض از مبدأ	۱/۳۵۵	۰/۰۰۰		۲/۷۴۲
عوامل بیرونی	۰/۱۱۸	۰/۰۰۰	۰/۱۹۷	۳/۶۱۹
عوامل درونی	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰	۰/۴۷۳	۸/۹۶۲
ضرایب میزان شدت اثرپذیری مخاطبان سمن‌ها				
مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	خطای B	Beta	t
سطح معنی‌داری (sig)				

مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران.....

عرض از مبدأ	-۱/۳۰۳	۰/۵۱۸	-۲/۵۱۶	۰/۰۴۶
عوامل بیرونی	۰/۱۸۳	۰/۰۶۱	۰/۲۹۵	۲/۹۹۲
عوامل درونی	۰/۵۰۰	۰/۱۱۵	۰/۴۳۴	۴/۰۰۵
ضرایب میزان شدت اثرپذیری خبرگان				
مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	معنی‌داری (sig)
	B	خطای B	Beta بتا	
عرض از مبدأ	۰/۷۹۱	۰/۰۰۱	۶/۴۳۵	۰/۰۰۰
عوامل بیرونی	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	۰/۱۹۴	۹/۴۰۰
عوامل درونی	۰/۳۵۳	۰/۰۰۰	۰/۶۲۷	۳/۱۶۳

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، براساس ضریب استاندارد شده تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر آماری معناداری بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی در گروه مدیران سمن‌ها دارند. همچنین از نظر ضریب تأثیر متغیرها بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی، به ترتیب متغیرهای عوامل بیرونی و سپس عوامل درونی با ضرایب تأثیر ۰/۴۷۳ و ۰/۳۱۳ در میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی اثرگذار بوده‌اند. همچنین بر اساس ضریب استاندارد شده تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر آماری معناداری بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی از دید مخاطبان سمن‌ها دارند. همچنین از نظر ضریب تأثیر متغیرها بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی، به ترتیب متغیرهای عوامل بیرونی و عوامل داخلی با ضرایب تأثیر ۰/۴۳۴ و ۰/۲۹۵ در میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی اثرگذار بوده‌اند (جدول ۲). در نهایت بر اساس ضریب استاندارد شده تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر آماری معناداری بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی از دید خبرگان دارند. همچنین از نظر ضریب تأثیر متغیرها بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی، متغیر عوامل بیرونی با ضریب تأثیر ۰/۶۲۷ بیشترین میزان اثر بر دسترسی زنان به حقوق شهروندی و عوامل درونی با ضریب تأثیر ۰/۱۹۴ در میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی اثرگذار بوده‌اند.

در گروه دوم، تأثیر عوامل اقتصادی همچون درآمد زنان و درآمد سمن بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به حقوق اجتماعی بین سه گروه مدیران سمن‌ها، خبرگان و مخاطبان سمن‌ها موردسنجش و بررسی قرار گرفتند.

جدول ۳. میزان همبستگی بین مؤلفه‌های اقتصادی و دسترسی زنان به حقوق شهروندی از دید مدیران سمن‌ها، مخاطبان سمن‌ها و خبرگان

میزان همبستگی	مدیران سمن‌ها (۱۰)		مخاطبان سمن‌ها (۳۱۹)		گروه خبرگان (۳۰)	
	ضریب اسپیرمن	سطح معناداری	ضریب اسپیرمن	سطح معناداری	ضریب اسپیرمن	سطح معناداری
درآمد زنان	۰/۷۲۸	۰/۰۱۷	۰/۴۲۶	۰/۰۰۰	۰/۴۲۷	۰/۰۱۹
درآمد سمن‌ها	۰/۶۶۳	۰/۰۳۷	۰/۵۳۳	۰/۰۰۰	۰/۵۴۹	۰/۰۰۲

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، کلیه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عوامل اقتصادی با دسترسی زنان به حقوق شهروندی در گروه مدیران سمن‌ها ارتباط معناداری دارند. این همبستگی با مؤلفه‌های درآمد زنان در حد خیلی خوب با ضریب همبستگی ۰/۷۲۸ و با مؤلفه‌های درآمد سمن‌ها در حد خوب ۰/۶۶۳ است. همچنین کلیه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عوامل اقتصادی با دسترسی زنان به حقوق شهروندی در گروه مخاطبان سمن‌ها ارتباط معناداری دارند. این همبستگی با مؤلفه‌ی درآمد سمن‌ها در حد خوب با ضریب همبستگی ۰/۵۳۳ و با مؤلفه‌ی درآمد زنان در حد متوسط ۰/۴۲۶ است. در کلیه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عوامل اقتصادی با دسترسی زنان به حقوق شهروندی در گروه خبرگان ارتباط معناداری دارند. این همبستگی با مؤلفه‌ی درآمد زنان و درآمد سازمان‌های مردم‌نهاد در حد متوسط و به ترتیب ۰/۵۴۹ و ۰/۴۲۷ است.

جدول ۴. ضرایب میزان شدت اثرپذیری متغیرهای مستقل عوامل اقتصادی درونی و بیرونی بر متغیر وابسته از دید مدیران سمن‌ها، مخاطبان سمن‌ها و خبرگان

مدل	ضرایب غیر استاندارد			t	معنی‌داری (sig)
	B	خطای B	ضرایب استاندارد		
	B	Beta	Beta		
عرض از مبدأ	۱/۳۵۵	۰/۰۰۰	۲/۷۴۲	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
درآمد زنان	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	۵/۹۹۵	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
درآمد سمن‌ها	۰/۳۵۳	۰/۰۰۰	۹/۳۸۳	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری

(sig)	Beta	خطای B	B	
۰/۰۴۶	-۲/۵۱۶	۰/۵۱۸	-۱/۳۰۳	عرض از مبدأ
۰/۰۲۱	۳/۰۹۰	۰/۳۱۳	۰/۰۵۹	درآمد زنان
۰/۰۰۲	۵/۳۶۳	۰/۵۵۷	۰/۱۰۷	درآمد سمن‌ها
ضرایب میزان شدت اثرپذیری خبرگان				
سطح معنی‌داری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	مدل
(sig)		Beta	خطای B	B
۰/۰۰۰	۶/۴۳۵		۰/۰۰۱	۰/۷۹۱
۰/۰۰۰	۱/۱۷۷	۰/۱۱۴	۰/۰۰۰	۰/۱۱۸
۰/۰۰۰	۱/۹۴۰	۰/۲۶۸	۰/۰۰۰	۰/۲۹۴

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، بر اساس ضریب استاندارد شده تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر آماری معناداری بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی در گروه مدیران سمن‌ها دارند. همچنین از نظر ضریب تأثیر متغیرها بر میزان دسترسی زنان به حقوق اجتماعی، متغیر درآمد سمن‌ها با ضریب تأثیر ۰/۵۱۳ و درآمد زنان با ضریب ۰/۱۹۷ در میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی اثرگذار بوده‌اند. همچنین بر اساس ضریب استاندارد شده تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر آماری معناداری بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی از دید مخاطبان سمن‌ها دارند. همچنین از نظر ضریب تأثیر متغیرها بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی، متغیر درآمد سمن‌ها با ضریب تأثیر ۰/۵۵۷ و درآمد زنان با ضرایب تأثیر ۰/۳۱۳ در میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی اثرگذار بوده‌اند. در نهایت بر اساس ضریب استاندارد شده تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر آماری معناداری بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی از دید خبرگان دارند. همچنین از نظر ضریب تأثیر متغیرها بر میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی، به ترتیب متغیرهای درآمد سمن‌ها و درآمد زنان با ضرایب تأثیر ۰/۲۶۸ و ۰/۱۱۴ در میزان دسترسی زنان به حقوق شهروندی اثرگذار بوده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی و دسترسی برابر و عادلانه همه ی شهروندان به آن، یکی از مهم‌ترین

مصادیق توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود. بررسی تجربه جهانی نشان می‌دهد که دسترسی به حقوق شهروندی تابعی از جغرافیا، نوع ساختار سیاسی و درعین حال جنسیت و نژاد است. مروری بر ظرفیت‌های دولتی و غیردولتی نشان می‌دهد، درحالی که ساختارهای دولتی و رسمی، نقش اساسی در ایجاد فرایندهای حیاتی، مثل قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه حقوق شهروندی دارند، درعین حال نقش سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در این زمینه بی‌بدیل است. مروری بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق حقوق شهروندی و توان‌افزایی جوامع نشان می‌دهد که به دلیل وجود ساختار منعطف، سیال و محلی، ظرفیت سمن‌ها در توسعه اجتماعی بسیار بالاست و در همین زمینه نیز نقش مهمی در توان‌افزایی گروه‌های مختلف اجتماعی و افزایش دسترسی آنان به حقوق شهروندی دارند. هدف این مطالعه بررسی عوامل موثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی است و نتایج این مطالعه نیز نشان می‌دهد عوامل اجتماعی درونی و بیرونی بر مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به شهروندی از اهمیت بالایی برخوردار است. نکته مهم یافته‌های این مطالعه برهم‌کنش عوامل اجتماعی و اقتصادی بر دسترسی زنان به حقوق شهروندی است. نقش درآمد سمن‌ها و درآمد زنان به عنوان عوامل اقتصادی در هر سه گروه مدیران، خبرگان و مخاطبان مورد تایید قرار گرفت. همان‌گونه که نتایج مطالعات در سطح جهانی نیز نشان می‌دهد، درآمد سمن‌ها، نقش بسیار کلیدی در اثربخشی برنامه‌ها، میزان فراگیری و قدرت بازآرایی برنامه‌ها و ارزیابی آنها دارد. درحقیقت قدرت مالی سمن‌ها به‌عنوان یکی از منابع اصلی در گسترش و کیفیت برنامه‌ها تلقی می‌شود و نکته جالب اینکه نتایج این مطالعه نیز نشان می‌دهد متغیر درآمد سمن‌ها، بیشترین میزان اثر بر دسترسی زنان به حقوق شهروندی دارد.

درخصوص عوامل درونی، میزان آگاهی و دانش سمن‌ها، نحوه ظرفیت‌سازی (تقویت مهارت‌ها، شایستگی‌ها و توانایی‌های افراد و گروه‌ها تا آنها بتوانند بر علل محرومیت‌ها و رنج‌ها غلبه کنند)، و نیز میزان تخصصی بودن آنها (یعنی تا چه درجه‌ای، کارها و فعالیت خود را به وظایف جداگانه و تخصصی تقسیم کرده باشد) هر سه در گروه خبرگان در تحقق مشارکت آنان در دسترسی زنان به شهروندی بیشتر از دو گروه دیگر از اهمیت برخوردار است. این امر حاکی از نگاهی است که خبرگان به جایگاه

دانشی و تخصصی سمن‌ها دارند. این درحالی است که شیوه عضویت‌پذیری سمن‌ها (عضویت اشخاص حقیقی یا حقوقی یا هر دو) از نظر مدیران سمن‌ها نسبت به دو گروه خبرگان و مخاطبان از اهمیت بالاتری برخوردار است. به نظر می‌رسد سمن‌ها بیش از خبرگان بر عضویت‌پذیری و در واقع سامان‌دهی اعضا تأکید دارند.

در مورد عوامل بیرونی، یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیر حذف هرگونه پیش‌داوری یا تبعیض براساس جنسیت یا جنس فرد بر فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی (اعم از مذهبی، ملی و...) و نحوه جلب مشارکت داوطلبانه زنان (مشارکت داوطلبانه متخصصان یا جلب مشارکت همه داوطلبان فارغ از تخصص) سمن‌ها از نظر خبرگان با اهمیت‌تر از گروه مخاطبان و سمن‌ها است. این امر بدان دلیل است که نگاه خبرگان مبتنی بر باور به این امر است که نگرش‌های جنسیتی و سیاسی بر مشارکت سمن‌ها در این حوزه موثر است. این درحالی است که فرهنگ غالب، تبعیت زنان از مردان و فرهنگ خانواده (سنتی، مدرن و...) از نظر مخاطبان در تحقق مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به شهروندی اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است و در نهایت، باورهای مذهبی (جایگاه زن در ادیان مختلف) از نظر مدیران سمن‌ها عامل با اهمیتی برای تقویت مشارکت سمن‌ها در دسترسی زنان به شهروندی است. آنان بر این باورند که آنچه مانع مشارکت زنان و حضور زنان در سمن‌ها می‌شود جایگاه زنان در ادیان است.

در این راستا نتایج مطالعه غیاثوند (۱۳۸۳) و نوروزی و گل‌پرور (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری جنسیتی و تقسیم جنسیتی کار خانگی بر میزان برخورداری زنان از شهروندی موثر است. یافته‌های پژوهش یاسوری (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهند که عواملی نظیر عدم اطلاع‌رسانی مناسب، عدم پشتیبانی کافی دستگاه‌های ذی‌ربط و موانع فرهنگی و اجتماعی در کند شدن روند حرکت و پیشرفت برنامه‌های سمن مذکور موثر بوده‌اند. همچنین مطالعه سردارنیا (۱۳۹۱) نشان می‌دهد، پدرسالاری، قبیله‌گرایی و درونی شدن باورهای محافظه‌کارانه در زنان، بر عملکرد سمن‌ها در شهروندی زنان موثر است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که میزان درآمد زنان مخاطب سمن‌ها همچنین استقلال اقتصادی آنان (اتکا به خود در تأمین هزینه‌های فردی و عدم وابستگی مالی به‌غیر) و میزان درآمد خانواده زنان در میان مدیران سمن‌ها بیش از دو گروه خبرگان و مخاطبان

سمن‌ها در مشارکت سمن در دسترسی زنان به شهروندی با اهمیت است. به نظر می‌رسد رویکرد خیریه‌ای و حمایتگرانه مدیران سمن‌ها، خود عامل اثرگذاری بر تاکید بر سطح درآمد زنان و خانواده‌ی آنان و نیز استقلال اقتصادی شان است. مطالعه هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰) نیز حاکی از آن است که میزان پایگاه اقتصادی-اجتماعی با میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی ارتباط معنی‌داری دارد. یعنی هرچقدر توانایی اقتصادی زنان بالاتر، میزان آگاهی آنان از شهروندی خود بیشتر است و این امر متغیر اثرگذاری در رابطه با شهروندی است. یافته‌های براری و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد که زنان عضو در سمن‌ها به‌طور معناداری از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر برخوردار بوده‌اند. همچنین نتایج مطالعه دوکوهکی (۱۳۹۱) نشان داد که درآمد زنان در کنار سایر متغیرهای جمعیتی حدود ۲۵ درصد از واریانس شهروندی زنان را تبیین می‌کند. بر اساس مطالعه استیلی و کوب^۱ (۱۹۹۴) یافته‌ها نشان می‌دهد، زنان اغلب وضعیت شغلی خود را تغییر می‌دهند تا موانع واقعی پیش‌روی خود را در تحقق شهروندی خود از بین ببرند. یعنی وضعیت اقتصادی زنان همانند مطالعه هزارجریبی و امانیان با میزان تحقق شهروندی زنان رابطه دارد. سامینا گول^۲ (۲۰۱۵) نیز تاکید دارد که بسیاری از سمن‌ها در پاکستان برای ارتقای وضعیت معیشتی زنان تلاش می‌کنند، چراکه اولین قدم برای تحقق حقوق زنان توانمندی اقتصادی آنان است. هایلو مگرسا تولا^۳ (۲۰۱۹) و موستهیدل محمود^۴ و همکاران (۲۰۲۱) نشان می‌دهند، سمن‌ها نقش مهمی در تحقق حقوق آنان دارد در این راستا یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر عملکرد سمن‌ها فرصت دسترسی زنان به وام‌های خرد است.

در نهایت بررسی داده‌های مقاله حاضر حاکی از آن است که میزان درآمد سمن‌ها، دسترسی سمن‌ها به فرصت‌های برابر اقتصادی (مانند کمک‌های مالی دولت و خیریه‌ها)، استقلال اقتصادی سمن‌ها و میزان دسترسی سمن‌ها به فرصت‌های رفاه و آسایش نسبی (مانند مسکن مناسب، پوشاک و تغذیه) از نظر مدیران سمن‌ها نسبت به خبرگان و مخاطبان سمن‌ها در مشارکت آنان در دسترسی زنان به شهروندی با اهمیت‌تر است.

¹ Steely and Knob

² Samina Gol

³ Hailu Megersa Tol

⁴ Mustahidul Mahamud

مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران.....

یافته‌های یاسوری (۱۳۹۱) نیز حاکی از آن است که عواملی نظیر مشکلات مالی، در پیشرفت برنامه‌های سمن موثرند. رویکرد استقلال اقتصادی که مدیران سمن‌ها نسبت به سمن‌ها دارند نشأت گرفته از این نگرش است که سمن‌ها بواسطه دریافت حمایت از دولت و خیرین و داشتن منابع اقتصادی می‌توانند به شهروندان خدمت‌رسانی کنند. این در حالی است که میزان توجه سمن‌ها به بسترسازی برای حق انتخاب شغل و کارایی زنان از نظر گروه مخاطبان سمن‌ها در مشارکت آنان در دسترسی زنان به شهروندی نسبت به مدیران سمن‌ها و خبرگان از اهمیت بیشتری برخوردار است. به منظور جمع‌بندی باید توجه داشت آنچه بیش از پیش در این مقاله مورد توجه قرار گرفته و باعث شده است تا نسبت به پژوهش‌های مشابه جامع‌تر باشد توجه به هر سه گروه سازمان‌های مردم‌نهاد، مخاطبان آنان و نیز خبرگان علمی و اجرایی در این حوزه و کاربست نتایج آن در توسعه و توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد در نظام سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران است.

همچنین براساس یافته‌های پژوهش و نیز بر مبنای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران پیشنهادات راهبردی زیر از سوی نویسندگان ارائه می‌شود: با توجه به وجود یک‌نهاد مهم در عرصه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درخصوص حقوق شهروندی زنان و پیگیری اجرای این سیاست‌ها در کشور، یعنی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، به نظر می‌رسد ایجاد یک شبکه فعال، کارآمد و در دسترس از سمن‌های حوزه زنان از سوی این معاونت ضروری است.

با توجه به چالش‌های اقتصادی سمن‌ها، ایجاد فرصت‌هایی در جهت ارائه تسهیلات مادی در قالب صندوق‌های اعتباری برای سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه شهروندی زنان که از این طریق در پیشبرد اهداف ملی و تحقق اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی مشارکت دارند.

پذیرش سمن‌ها به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان حوزه زنان در بحث سیاست‌گذاری از سوی حاکمیت، می‌تواند منجر به افزایش مشارکت آنان در دسترسی زنان به حقوق شهروندی شود.

منابع

- آئین‌نامه اجرائی نحوه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی معاونت امور اجتماعی و شوراهای وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴.
- براری، مرضیه، مطهری اصل، مرضیه، رضوی خراسانی، سید جمال (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر عضویت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد بر سرمایه اجتماعی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه زن و جامعه، سال سوم شماره اول، بهار، صص ۱۵۳-۱۷۶.
- جلالی جواران، رحمان، سلاجقه، سنجر، منظری توکلی، علیرضا، شیخی، ایوب (۱۳۹۷)، طراحی مدل اعتبارسنجی سازمان‌های مردم‌نهاد فرهنگی بر مبنای ابر خط مشی فضای مجازی از دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۳، شماره ۳۷، صص ۱۲۳-۱۶۴.
- گزارش بخشی وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان (۱۳۸۵)، معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان.
- گزارش تحولات جامعه زنان ایران (۱۳۹۷)، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- محسنی، رضا علی، خوش فر، غلام رضا، بابایی، قربان علی، ابراهیمی، میترا (۱۳۹۲)، بررسی عامل‌های موثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱۶۷-۱۹۰.
- نوروزی، فیض الله، گل پرور، منا (۱۳۸۹)، بررسی میزان احساس بر خورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن، فصلنامه علمی- پژوهشی راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، صص ۱۶۷-۱۹۰.
- نوریان، مهدی، آدینه، روح الله (۱۳۹۶)، دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق شهروندی در برخورداری‌های فرهنگی، فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۲، شماره ۳۱، صص ۶۷-۹۱.
- Abu Ramadan, J. L 2013, Assessing The Evaluation of Women Projects Implemented by NGOs in Gaza Strip: Projects Coordinators Perspective. Thease in Islamic University- Gaza Dean of Postgraduates Studies Faculty of Commerce Business Administration Department.
- Akpabio, I. A., & Aboh, C.C. 2007. Factors affecting Women NGOS Success with Local women groups in Akwa Ibom State, Nigeria.

Uluslararası Sosyal Araştırmalar Dergisi The Journal Of International Social Research Volume 1/1.

-Dibie, J., & Dibie, R. (2012). Non-governmental organizations (NGOs) and the empowerment of women in Africa. *African and Asian Studies*, 11(1-2), 95-122.

-Gol, S.2015. Role of NGOS in the Women Empowerment through Provision of Rural Entrepreneurship Opportunitie, publication at: <https://www.researchgate.net/publication/34462461>

-Goldman, M. J., & Little, J. S. (2015). Innovative grassroots NGOs and the complex processes of women's empowerment: An empirical investigation from Northern Tanzania. *World Development*, 66, 762-777.

-Gupta, M. (2021). Role of NGOs in women empowerment: case studies from Uttarakhand, India. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*.

-Handy, F., & Kassam, M. (2006). Practice what you preach? The role of rural NGOs in women's empowerment. *Journal of community practice*, 14(3), 69-91.

-Islam, M. R. (2014). Non-governmental organizations' role for social capital and community empowerment in community development: experience from Bangladesh. *Asian Social Work and Policy Review*, 8(3), 261-274.

-Kilby, P. 2011. NGOs in India. The Challenges of Women's Empowerment and Accountability. Routledge contemporary South Asia series.

-Kumari, R. Rai, C. R. Kumari, A. 2018. Constraints Faced by NGOs in Empowering Rural Women. *International Journal of Current Microbiology and Applied Sciences*.

-Mahamud, M., Hossan, E., Awal, Abdul Al Mahafuz, H. 2021. The Role of NGOs in Empowerment of Women at Grassroots Levels in Bangladesh: A Study. Research Article. Volume 11 Issue No: 03

-Marshall, T.H., 1964. Class, citizenship and Social Development. In B.S.

-Marshall, T.H., 1992. Citizenship and Social Class. 1950, in T.H. Marshall and Tom Bottomore, *Citizenship and Social Class*, Pluto Press, London, pp. 3-51.

-Nikkhah, H. A., & Redzuan, M. R. B. (2010). The role of NGOs in promoting empowerment for sustainable community development. *Journal of Human Ecology*, 30(2), 85-92.

-Parrish, B.D. 2010. Sustainability-Driven Entrepreneurship: Principles of Organization Design. *Journal of Business Venturing*, 25(5).

pp: 510-523.

-Rao, S,M,. Jain, G. K.2011. ROLE OF NON-GOVERNMENTAL ORGANIZATIONS IN INDIA. International Journal of Transformations in Business Management,1(4).

-Shepherd,D., Patzelt, H.2010. The New Field of Sustainable Entrepreneurship: Studying Entrepreneurial Action Linking “What is to be sustained” with “What is to be developed”. Entrepreneurship Theory and Practice, 35. Pp:137-163.

-Tilley, F. Youn, W.2009. Sustainability entrepreneurs: could they be the true wealth generators of the future? greener management international 55, pp: 79-92.

-Tola, Megersa., Hailu.2020.A Role of Non-Governmental Organization for Women Empowerment through Decision Making in Ethiopia a Review. publication at: <https://www.researchgate.net/publication/341156658>.

-UNESCO.2014. Global Citizenship Education Preparing learners for the challenges of the twenty-first century

-UNHABITAT,2016. Urban Citizenship in a Nomadic World interdependency.

-Wales, T.,2013.Organizational Sustainability: What Is It, And Why Does It Matter?. Review of Enterprise and Management Studies. Vol. 1, No.1.

-Women’s Resource Centre,2008. The State of the Women’s NGO Sector. Shadow Report submitted to the United Nations Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW) in response to the United Kingdom’s 6th Periodic Report, April.

